



ÁEIN-E HOKMRANI (Scientific Journal on The Islamic Governance)
Vol.2 / No.3 / Spring & Summer 2024
ISSN: 2980-7880
<https://aeinehokmrani.iict.ac.ir>

Analysis of the Steps of Islamic Governance in the Shahīd Muḥammad Bāqir al-Ṣadr' Thought

Hassan Vosughzadeh

PhD student in Political Science, Baqir al-Uloom University, Qom, I.R. Iran (Corresponding Author)
Email: afsarhvh@chmail.ir

Seyyed Sajjad Izdehi

Professor, Research Institute of Culture and Islamic Thought, Tehran, I.R. Iran
Email: sajjadzady@yahoo.com



Citation

Vosughzadeh, H. and Izdehi, S.S. (2024). Analysis of the Steps of Islamic Governance in the Shahīd Muḥammad Bāqir al-Ṣadr' Thought. *Aeine Hokmrani*, 2(3), 167-197
(DOI) 10.22034/ah.2025.722663

Type of Article: Reserch Article

Received: 2025 January 04

Revised: 2025 March 07

Accepted: 2025 April 04

Published Online: 2025 April 10

Abstract

Shahīd Muḥammad Bāqir al-Ṣadr considers Islamic governance to be based on principles such as social justice, compliance with Sharia, flexibility in facing the requirements of time, and continuous supervision. From his perspective, social justice, as a pillar of the legitimacy of the government system, plays a pivotal role in building trust and stability in the government. He emphasizes the complete coordination of executive laws with the principles of Sharia. He introduces the concept of Mantiqat al-Firāq” as a tool for the flexibility of the governance system for accountability to the changing needs of society. In this regard, careful and continuous supervision of the executive apparatus, from his perspective, guarantees transparency, confronts corruption, and increases the efficiency of the system. The research method used in this paper is descriptive-analytical, and by utilizing comparative studies and analyzing classical and contemporary texts, a comprehensive theoretical framework of governance in the thought of Martyr Sadr has been presented. The research findings show that the governance thought of Shahīd al-Ṣadr offers a comprehensive and flexible model for managing Islamic societies that, while maintaining the fixed principles of Sharia, can adapt to social and cultural changes. By presenting the analytical model of Sadr's governance, this paper is considered a starting point for deeper research and the expansion of interdisciplinary studies on Islamic governance. It provides a basis for the application of this thought in the context of contemporary societies.

Keywords

Shahīd Muḥammad Bāqir al-Ṣadr, Islamic Governance, Social Justice, Sharia, Implementation Stage, Mantiqat al-Firāq, Supervision and Accountability





دوفصلنامه علمی پژوهشی در حوزه حکمرانی اسلامی
سال دوم / شماره ۳ / بهار و تابستان ۱۴۰۳
ISSN: 2980-7880
https://aeinehokmrani.iict.ac.ir

تحلیل گام‌های حکمرانی اسلامی در اندیشه شهید محمدباقر صدر^{علیه السلام}

حسن وثوق‌زاده ^{ID}

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم^ع، قم، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول)
Email: afsarhvh@chmail.ir

سیدسجاد ایزدهی ^{ID}

استاد، گروه سیاست، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، جمهوری اسلامی ایران
Email: sajjadzady@yahoo.com



استناد به این مقاله:
وثوق‌زاده، حسن و ایزدهی، سیدسجاد. (۱۴۰۳). تحلیل گام‌های حکمرانی اسلامی در اندیشه شهید محمدباقر صدررحمه‌الله. نشریه آیین حکمرانی، ۲(۳)، ۱۶۷-۱۹۷
doi (DOI) 10.22034/ah.2025.722663

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۱۷
تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۵

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

شهید محمدباقر صدر^{علیه السلام}، حکمرانی اسلامی را بر پایه اصولی همچون عدالت اجتماعی، تطابق با شریعت، انعطاف‌پذیری در رویارویی با مقتضیات زمانی و نظارت پیوسته، استوار می‌داند. از نگاه او، عدالت اجتماعی به‌عنوان ستون مشروعیت نظام حکومتی، نقش محوری در اعتمادسازی و پایداری حکومت دارد. ایشان بر هماهنگی کامل قوانین اجرایی با اصول شریعت تأکید کرده و مفهوم «منطقه الفراغ» را به‌عنوان ابزار انعطاف‌پذیری نظام حکمرانی برای پاسخ‌گویی به نیازهای متغیر جامعه معرفی می‌کند. در این راستا، نظارت دقیق و مداوم بر دستگاه‌های اجرایی، از دیدگاه وی، تضمین‌کننده شفافیت، رویارویی با فساد و افزایش کارآمدی نظام است. روش پژوهش به‌کار گرفته‌شده در این مقاله، توصیفی-تحلیلی است و با بهره‌گیری از مطالعات تطبیقی و تحلیل متون کلاسیک و معاصر، چهارچوب نظری جامعی از حکمرانی در اندیشه شهید صدر^{علیه السلام} ارائه شده است. دستاوردهای پژوهش نشان می‌دهد که اندیشه حکمرانی شهید صدر^{علیه السلام}، الگویی جامع و منعطف برای مدیریت جوامع اسلامی ارائه می‌دهد که با وجود حفظ اصول ثابت شریعت، امکان انطباق با تغییرات اجتماعی و فرهنگی را داراست. این مقاله، با ارائه مدل تحلیلی حکمرانی صدر^{علیه السلام}، نقطه آغازی برای پژوهش‌های ژرف‌تر و گسترش مطالعات میان‌رشته‌ای در باب حکمرانی اسلامی شمرده می‌شود و زمینه‌ای را برای کاربردی‌سازی این اندیشه در بافت جوامع معاصر فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی

شهید محمدباقر صدر^{علیه السلام}، حکمرانی اسلامی، عدالت اجتماعی، شریعت، مرحله اجرا، منطقه الفراغ، نظارت و پاسخ‌گویی.



مقدمه

شهید صدر علیه السلام با تلفیق هوشمندانه آموزه‌های وحیانی و نیازهای زمانه، ساختاری نظری ارائه داد که نه تنها پاسخ‌گوی پیچیدگی‌های دوره خود بود، بلکه توانایی انطباق با چالش‌های آینده را هم دارد.

اندیشه حکمرانی در منظومه فکری شهید صدر علیه السلام، با وجود عدم تصریح مستقیم بر این واژه، در بردارنده مبانی و اصولی است که ظرفیت بازتعریف نظام حکمرانی اسلامی را داراست. این اندیشه‌ها بر سه محور سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری (ساختارسازی نهادی) و تسهیل‌گری (مدیریت اجرایی) استوار است. در اندیشه وی، سیاست‌گذاری با تأکید بر حق حاکمیت الهی و اصل عدالت اجتماعی تعریف می‌شود؛ تنظیم‌گری در چهارچوب پاسخ‌گویی به نیازهای زمانه و هم‌زمان، پای‌بندی به مبانی شریعت سامان می‌یابد؛ و تسهیل‌گری به مثابه بستری برای اجرای عادلانه قوانین و تحقق مشارکت مردمی مدنظر قرار می‌گیرد (صدر، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۸۰-۲۱۰). بررسی آثار ارزشمند شهید صدر علیه السلام، نمایان‌گر ژرف اندیشه وی در باب نقش دین به‌عنوان نیروی تنظیم‌کننده در ساختارهای اجتماعی و سیاسی است. ایشان، بر اهمیت ایمان و معنویت در تقویت عدالت اجتماعی و حکمرانی عادلانه تأکید کرده و از ظرفیت‌های اسلام در سامان‌دهی نظام‌های اجتماعی و سیاسی سخن به میان آورده است. این اندیشه‌ها، پیوندی نظام‌واره بین اصول ثابت شریعت و نیازهای پویای جوامع معاصر برقرار کرده و الگویی جامع برای حکمرانی اسلامی پیشنهاد می‌دهد (همو، ۱۳۹۹، ص ۲۴).

افزون بر این، شهید صدر علیه السلام نظارت و اصلاحات پیوسته را رکن اساسی حکمرانی اسلامی دانسته و آن را ضرورتی برای تحقق عدالت و مقابله با فساد معرفی می‌کند. وی این اصول را با مفاهیمی همچون شفافیت و مسئولیت‌پذیری درآمیخته است و به این ترتیب، الگوی حکمرانی خویش را پر مایه می‌کند. چنین ره‌یافتی بیان‌گر تلاشی هوشمندانه برای ارائه چهارچوبی جامع و کاربردی در پاسخ به مسائل پیچیده و گوناگون جوامع اسلامی است.

در این پژوهش، با هدف تحلیل و بازخوانی اندیشه‌های شهید صدر علیه السلام، تلاش شده است گام‌های حکمرانی اسلامی در سه محور سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری و تسهیل‌گری تبیین شود.

● تحلیل گام‌های حکمرانی اسلامی در اندیشه شهید محمدباقر صدر

این بررسی، با اتکاء به منابع اصیل و تحلیل‌های ژرف، به دنبال ارائه چهارچوبی بومی برای حکمرانی اسلامی است تا بتواند پاسخ‌گوی نیازهای جوامع معاصر باشد و بستری برای تحقق عدالت و تعالی اجتماعی فراهم آورد.

۱. پیشینه تحقیق

کتاب آشنایی با اندیشه سیاسی شهید صدر علیه السلام (بی‌نیاز و همکاران، ۱۴۰۰): این کتاب به تحلیل اندیشه‌های سیاسی شهید صدر علیه السلام می‌پردازد و نقش اصول عدالت اجتماعی و شریعت در حکمرانی اسلامی را برجسته می‌کند. در حالی که پژوهش پیش رو بیشتر بر گام‌های حکمرانی اسلامی و چهارچوب نظری آن تأکید دارد، کتاب پیش‌گفته به بررسی تطبیقی و نظری اندیشه سیاسی شهید صدر علیه السلام می‌پردازد.

مقاله «جایگاه استقرا در روش شهید صدر در اقتصاد اسلامی» (قاسمی اصل، محمدجواد، ۱۳۹۸): این مقاله به استقراء و تحلیل روش‌شناسی شهید صدر علیه السلام در مسائل اقتصادی پرداخته است. وجه تمایز پژوهش پیش رو در این است که افزون بر تحلیل حکمرانی اسلامی از جنبه‌های گوناگون، به پیوند این اندیشه با نیازهای اجتماعی و فرهنگی معاصر هم می‌پردازد. مقاله «بررسی تطبیقی "اصل پاسخ‌گویی حکومت" در اندیشه شهید صدر علیه السلام و آیت‌الله خامنه‌ای» (رحیمیان و جاوید، ۱۳۹۷): این مقاله به تحلیل و مقایسه دیدگاه‌های شهید صدر علیه السلام و آیت‌الله خامنه‌ای درباره اصل پاسخ‌گویی حکومت می‌پردازد. وجه تمایز پژوهش پیش رو در این است که افزون بر بررسی تطبیقی، به تحلیل کاربردی این اصل در جوامع معاصر و چالش‌های اجرایی آن پرداخته می‌شود.

کتاب «نظریه دولت در مکتب کلامی و فقهی علامه شهید سید محمدباقر صدر علیه السلام» (قربی، ۱۳۹۹): این کتاب به تبیین نظریه دولت در اندیشه شهید صدر و ارتباط آن با مبانی کلامی و فقهی می‌پردازد. در حالی که پژوهش حاضر بر جنبه‌های عملی و اجرایی حکمرانی اسلامی تأکید دارد، این کتاب بیشتر به مبانی نظری و فلسفی آن پرداخته است. مقاله «بررسی روش آیت‌الله شهید صدر علیه السلام در کشف مکتب اقتصاد اسلامی» (یوسفی،

۱۳۷۹): این مقاله به روش‌شناسی شهید صدر^{علیه السلام} در کشف مکتب اقتصادی اسلام می‌پردازد. وجه تمایز پژوهش پیش رو در این است که افزون بر تحلیل روش‌شناسی، به تحلیل تطبیقی اندیشه‌های شهید صدر^{علیه السلام} با دیگر اندیشمندان اسلامی و بررسی تأثیر آن بر حکمرانی اسلامی پرداخته می‌شود.

مقاله «بررسی دیدگاه آیت‌الله محمدباقر صدر^{علیه السلام} در زمینه سنت‌های اجتماعی در قرآن» (پرچم و باقرپور، ۱۳۹۳): این مقاله به تحلیل دیدگاه‌های شهید صدر^{علیه السلام} درباره سنت‌های اجتماعی در قرآن می‌پردازد. در حالی که پژوهش حاضر به جنبه‌های عملی و اجرایی حکمرانی اسلامی توجه دارد، این مقاله بیشتر به مبانی نظری و تفسیر قرآن پرداخته است.

مقاله «بررسی عرصه‌ها و حوزه‌ها و وظایف حوزه، روحانیت و دولت در تربیت سیاسی از دیدگاه شهید صدر^{علیه السلام}» (فرهنگ پژوهش، ۱۳۹۸): این مقاله به نقش حوزه، روحانیت و دولت در تربیت سیاسی از دیدگاه شهید صدر^{علیه السلام} می‌پردازد. وجه تمایز پژوهش پیش رو در این است که به تحلیل تطبیقی اندیشه‌های شهید صدر^{علیه السلام} با دیگر اندیشمندان اسلامی و بررسی تأثیر آن بر حکمرانی اسلامی پرداخته می‌شود.

۲. مفهوم‌شناسی حکمرانی

- حکمرانی (Governance): حکمرانی به‌ویژه در گفتمان معاصر، به یکی از مفاهیم محوری در حوزه مدیریت و سیاست‌گذاری عمومی بدل شده است. گسترش اصطلاح «حکمرانی نوین» سبب شده است تا این مفهوم از زوایای گوناگون بررسی شود. سازمان‌های بین‌المللی و پژوهشگران در این باره، تعاریف گوناگونی ارائه داده‌اند که هرکدام جنبه‌ای ویژه از این پدیده را تبیین می‌کند. بویژه، حکمرانی را الگویی از فرمانروایی معرفی می‌کند که با روش‌های گوناگون مدیریت و حکومت‌داری سازگار است. او در آثار بعدی خود بر هماهنگی بین این الگوها و شیوه‌های مدیریتی تأکید دارد و حکمرانی را به‌عنوان فرایندی پویا برای تنظیم و مدیریت تعاملات اجتماعی می‌بیند (Bevir, 2007, p 7 & 2021, P173). از سوی دیگر، بانک جهانی (۱۹۹۹) حکمرانی را فرایندی می‌داند که در آن افراد صاحب اختیار انتخاب

● تحلیل گام‌های حکمرانی اسلامی در اندیشه شهید محمدباقر صدر

می‌شوند، ظرفیت دولت برای مدیریت منابع و اجرای سیاست‌ها ارزیابی می‌شود و سرانجام، احترام به حقوق شهروندان و نهادهای حاکم تأمین می‌شود (Kaufmann, 1999, p 652). در تعریفی تکمیلی، این نهاد در سال ۲۰۰۷ تأکید می‌کند که حکمرانی روش مقامات عمومی برای شکل دادن به سیاست‌های کلان و ارائه خدمات عمومی است (World Bank, 2007). پی‌یر و پیترز (Pierre & Peters, 2021) و تورفینگ و آنسل حکمرانی را فرایندی تعاملی تعریف می‌کنند که از راه آن جامعه و اقتصاد، طی مذاکرات و همکاری‌های مشترک، به سوی تحقق اهداف جمعی هدایت می‌شوند. این نگاه بر نقش تعاملات بین نهادها و بازیگران گوناگون در سیاست‌گذاری تأکید دارد (Ansell and Torfing, 2022, p 14). فرازمنند در بررسی جنبه‌های بین‌المللی حکمرانی، بر ضرورت ظرفیت‌سازی ملی برای تقویت تعامل سازنده میان کنش‌گران داخلی و خارجی تأکید می‌کند. او حکمرانی را فرایندی می‌داند که باید به‌طور هم‌زمان به نیازهای ملی و الزامات جهانی پاسخ دهد (Farazmand, 2004). استوکر تعریف گسترده‌ای از حکمرانی ارائه می‌دهد که به پیچیدگی آن در جوامع مدرن اشاره دارد. از نگاه او، حکمرانی دربردارنده مجموعه‌ای از نهادها و کنش‌گران است که برخی سرچشمه دولتی دارند و برخی دیگر فراتراز دولت عمل می‌کنند. او همچنین به جنبه‌هایی چون محورهای نهادی، وابستگی دوسویه قدرت در روابط بین کنش‌گران، شکل‌گیری شبکه‌های خودحکمران، و ظرفیت اجرایی فراتراز قدرت رسمی دولت توجه دارد (Stoker, 1998).

برداشت‌های مفهومی گوناگون از حکمرانی، نمایانگر جنبه‌های گوناگون این مفهوم در بسترهای نظری و کاربردی است. این برداشت‌ها، هرکدام از نگاهی ویژه به تبیین حکمرانی پرداخته‌اند و رویکردهای نوینی را در این زمینه مطرح کرده‌اند. در یکی از رویکردها، حکمرانی به‌مثابه ابزاری برای هدایت خط مشی‌های عمومی تعریف شده است (Jreisat, 2004). این برداشت بر نقش حکمرانی به‌عنوان سازوکاری برای تعیین و اجرای سیاست‌های کلان تأکید دارد. رویکرد دیگری، حکمرانی را به مفهوم «حکومت حداقلی» معرفی می‌کند که در آن، تمرکز بر کاهش نقش دولت و واگذاری وظایف بیشتر به دیگر بازیگران اجتماعی و اقتصادی است (Bevir, 2007/ Malik, 2017). در این راستا، حکمرانی شرکتی هم به‌عنوان گونه‌ای از

مدیریت کارآمد بر پایه تعامل مؤثر بین بخش خصوصی و عمومی شناخته می‌شود (Nikolić & Zlatanovic, 2018). افزون‌براین، حکمرانی در برخی دیدگاه‌ها به مثابه نظامی اجتماعی - سایبرنتیک تعریف شده است که بر پویایی تعاملات بین بخش‌های گوناگون جامعه در راستای تنظیم و هدایت شبکه‌های ارتباطی تأکید دارد (Rhodes, 2003 / Kooiman, 1993). این نگاه، حکمرانی را نه صرفاً ابزاری اجرایی، بلکه نظامی پیچیده از روابط میان نهادهای خودتنظیم‌گر می‌داند (Rhodes, 1996/ Malik, 2017). در برخی دیدگاه‌ها، حکمرانی به‌عنوان مفهومی وابسته به اقتصاد سیاسی جدید معرفی شده است که در آن، نقش دولت‌ها و بازارها در تنظیم روابط اقتصادی و اجتماعی بازتعریف می‌شود (Rhodes, 2000 / Lynn, 2000). این برداشت به‌طور ویژه به چالش‌های معاصر در زمینه وابستگی‌های بین‌المللی و جهانی شدن اشاره دارد. در نهایت، حکمرانی خوب به‌عنوان یکی از رویکردهای اصلی در این حوزه، بر اصولی همانند شفافیت، پاسخ‌گویی، و عدالت اجتماعی تأکید می‌کند (Rhodes, 2000 / Pierre and Peters, 2021). در این میان، استوکر حکمرانی را نه فقط یک سازوکار اجرایی، بلکه نظریه‌ای بنیادین معرفی می‌کند که روابط میان نهادهای دولتی و فراتراز آن را برای دستیابی به اهداف جمعی بازتعریف می‌کند (Stoker, 1998). این تعاریف گوناگون نشان می‌دهد که حکمرانی، نه صرفاً یک ابزار اجرایی، بلکه مفهومی چندبُعدی است که نقش‌های متنوعی در تنظیم، هماهنگی، و راهبری جوامع ایفا می‌کند.

حکمرانی به‌عنوان مفهومی کلیدی در نظریه‌های مدیریت عمومی و سیاست‌گذاری، دولت را به‌عنوان نهادی توانمند برای به‌کارگیری روش‌ها و ابزارهای پیشرفته برای هدایت جامعه به سوی اهداف کلان معرفی می‌کند. این مفهوم، هم‌زمان با تأکید بر تعامل سازنده بین کنش‌گران دولتی، خصوصی و اجتماعی، فرایندهایی را ترسیم می‌کند که در قالب ساختارهای مشارکتی و تصمیم‌گیری، به تدوین مقررات، تنظیم قوانین، و تأمین کالاها و خدمات عمومی می‌انجامد. حکمرانی به‌دنبال توزیع راهبردی قدرت بین نهادهای گوناگون است و در این راستا، یکی از اساسی‌ترین وظایف حکمرانان را تسهیل ارتباطات نظام‌مند و مؤثر بین این نهادها برمی‌شمارد (کریم‌میان، محمدی و دیگران، ۱۳۹۸). به تعبیر برخی صاحب‌نظران، حکمرانی،

● تحلیل گام‌های حکمرانی اسلامی در اندیشه شهید محمدباقر صدر

فرایند هدایت و مدیریت یک گستره مشخص به‌سوی اهداف توافق‌شده بین کنش‌گران حکومتی و غیردولتی است. این فرایند، که توانایی ارزیابی بر پایه شاخص‌های معین و نظام‌مند را دارد، در بردارنده مجموعه‌ای از کارکردهای کلیدی است. این کارکردها در بردارنده خط‌مشی‌گذاری، تنظیم‌گری، بازتوزیع منابع، تسهیل‌گری، و ارائه خدمات عمومی می‌شود. هریک از این کارکردها به‌صورت زنجیره‌ای به تحقق اهداف مشترک کمک کرده و مراحل بعدی را به‌سوی ارتقای کارآمدی ساختار حکمرانی هدایت می‌کند (Pierre & peters, 2021/ Mishra & Attri, 2020). حکمرانی، به‌ویژه در زمینه‌های نوین، فرایندی پیچیده است که در آن، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی نقش بسزایی در تعیین راه و ساختار آن ایفا می‌کنند. این فرایند، ضمن اتکاء بر قدرت مشروع، سازوکاری پویا و تطبیق‌پذیر ایجاد می‌کند که می‌تواند در رویارویی با چالش‌های متغیر، رویکردهای انعطاف‌پذیر و مؤثری اتخاذ کند. از این دید، فرهنگ (Merriam-Webster, 2023) بر اهمیت بسترهای ارزشی در حکمرانی تأکید دارند و باور دارند که موفقیت آن در گرو پیوند مؤثر بین اصول اخلاقی و اقتدار مشروع است (Colebatch, 2021 / Bevir, 2021 Salamin, 2021). حکمرانی نوین، با تعمیق تعامل بین سطوح گوناگون محلی، ملی و بین‌المللی، تلاش می‌کند پیوندی پایدار بین مردم و نهادها ایجاد کند. این رویکرد که بر اصول علمی و عملی استوار است، فراتر از یک سازوکار اجرایی صرف، الگویی فراگیر و جامع برای توسعه اجتماعی و سیاسی ارائه می‌دهد و تحقق اهداف مشترک را در چهارچوبی هماهنگ و نظام‌مند امکان‌پذیر می‌کند.

در تحلیل مدرسه حکمرانی شهیدبهبشتی (عالی، ۱۴۰۱)، حکمرانی به منزله فرایندی تعریف می‌شود که در بردارنده تنظیم قواعد، اجرای مؤثر آنها، نظارت بر عملکرد، و بهره‌برداری از بازخوردهای به دست آمده است. این فرایند، در چهارچوب هنجارها و ارزش‌های حاکم، با اعمال قدرت مشروع به منظور تحقق اهداف جمعی ذی‌نفعان و کنش‌گران متنوع، تعریف و اجرا می‌شود. حکمرانی در این رویکرد، نه تنها به‌عنوان سازوکاری اجرایی بلکه به‌مثابه فرایندی راهبردی برای هدایت جامع یک سازمان یا کشور شناخته می‌شود.

بر اساس تعریف‌های گوناگونی که از حکمرانی آورده شده است، این‌گونه می‌توان جمع‌بندی کرد که حکمرانی، فرایندی پویا و تعاملی است که با تنظیم‌گری، سیاست‌گذاری و تسهیل‌گری، روابط بین نهادهای دولتی، خصوصی و اجتماعی را در جهت تحقق اهداف جمعی مدیریت می‌کند. این مفهوم با تأکید بر شفافیت، پاسخ‌گویی و عدالت اجتماعی، سازوکاری برای توزیع قدرت، اجرای سیاست‌ها و ارائه خدمات عمومی در یک نظام منسجم و تطبیق‌پذیر فراهم می‌آورد.

۳. بازتعریف مفهوم حکمرانی از دیدگاه شهید صدر^{علیه السلام} و جایگاه آن در تعاریف جدید حکمرانی

شهید صدر^{علیه السلام} در تحلیل‌های خود از حکمرانی اسلامی، آن را به‌عنوان سیستمی بر پایه اصول شریعت و عدالت اجتماعی تعریف می‌کند که در آن هماهنگی بین ساختارهای دولتی و غیر دولتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این چهارچوب، اصول حکمرانی اسلامی در آثار وی، نه تنها در بردارنده نظارت بر دستگاه‌های اجرایی است، بلکه بر تقویت جامعه مدنی و مشارکت عمومی تأکید دارد؛ از این‌رو مفهوم حکمرانی اسلامی در اندیشه شهید صدر^{علیه السلام} به‌طور خاص با نهادهای مختلف اجتماعی و مردمی که در فرایند حکمرانی و اجرای عدالت دخیل هستند، در ارتباط است.

شهید صدر^{علیه السلام} در آثار خود از جمله *البحث فی الفقه الحکومی* (صدر، ۱۳۹۳، ص ۲۴)، *اقتصادنا* (همو، ۱۳۹۹، ص ۸۴) و *فلسفه الحکم* (همو، ۱۳۹۴، ص ۷۶) به این نکته اشاره می‌کند که حکومت اسلامی، برخلاف نظام‌های سکولار، از یک منبع الهی مشروعیت می‌گیرد که به‌وسیله آن می‌تواند به عدالت اجتماعی دست یابد. به‌طور ویژه، او به‌وسیله تبیین مفهوم «*منطقه الفراغ*» (همو، ۱۳۹۹، ص ۳۷)، این امکان را فراهم می‌آورد که در شرایطی که شریعت حکم صریحی ندارد، از اجتهاد فقهی برای تصمیم‌گیری‌ها استفاده شود. این رویکرد، سبب می‌شود که حکمرانی اسلامی بتواند با مقتضیات زمانی و مکانی تطابق یابد و با این‌وجود، اصول ثابت شریعت را حفظ کند.

● تحلیل گام‌های حکمرانی اسلامی در اندیشه شهید محمدباقر صدر

در این نظریه، به‌ویژه در اقتصادنا (همان، ص ۱۰۲)، تأکید می‌کند که بخش‌های گوناگون حکومت اسلامی باید به‌طور هماهنگ عمل کنند تا اصول عدالت اجتماعی و شفافیت در عمل پیاده شوند. در این راستا، او به نهادهای مدنی مانند شوراهای مشورتی و نهادهای نظارتی (همو، ۱۳۹۳، ص ۴۵) اشاره می‌کند که نقش حیاتی در مدیریت حکومتی ایفا می‌کنند و باید در فرایند تصمیم‌گیری‌ها دخالت داشته باشند. این نهادها، افزون بر نظارت بر دولت، نقش اساسی در ایجاد مشارکت عمومی و تقویت انسجام اجتماعی دارند.

باتوجه به مفهوم جدید حکمرانی، از آنجاکه شهید صدر رحمته‌الله حکمرانی را به‌عنوان فرایندی سیستمی و انعطاف‌پذیر تعریف می‌کند، نهادهای مدنی در این فرایند نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. این نهادها باید پیوسته تحت نظارت قرار گیرند تا از انحرافات احتمالی و فساد جلوگیری شود. ایشان در آثار خود، به‌ویژه در الإسلام و القضية المهدویة (همو، ۱۳۹۴، ص ۵۳)، نشان می‌دهد که در حکمرانی اسلامی، توجه به عدالت اجتماعی و رعایت حقوق انسان‌ها در کنار نظارت بر دستگاه‌های اجرایی و نهادهای جامعه مدنی، یکی از ارکان اساسی است.

۴. موضوع‌شناسی حکمرانی اسلامی

حکمرانی اسلامی، به‌مثابه یک نظام معرفتی جامع و چندوجهی، ساختاری است که می‌کوشد از راه پیوند ارکان الهیاتی، اجتماعی و مدیریتی، راه تحقق عدالت اجتماعی، کرامت انسانی و سعادت دنیوی و اخروی را هموار کند. این مفهوم، برخلاف الگوهای سکولار که قدرت را به‌مثابه هدف غایی یاد می‌کنند (Machiavelli, 1513, p 11)، قدرت را امانتی الهی می‌داند که تنها در جهت پیشبرد ارزش‌های شریعت و پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه مشروعیت می‌یابد (موسوی خمینی، ۱۳۷۴، ص ۲۴۱). نظام حکمرانی اسلامی، به‌وسیله تأکید بر سه رکن سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری (سیستم‌سازی) و تسهیل‌گری (اجرا)، نه تنها چهارچوبی نظری، بلکه الگویی عملیاتی برای مدیریت جوامع اسلامی ارائه می‌دهد. آنچه این نظام را از دیگر نظام‌های حکمرانی متمایز می‌کند، اتکای

آن به قرآن کریم و معارف دینی به عنوان سرچشمه اصلی قوانین و سیاست‌ها است. در این چهارچوب، حکمرانی نه تنها سازوکارهای عرفی و تجربی، بلکه ارزش‌های الهی را در تمامی ابعاد مدیریتی و اجرایی خود در هم می‌آمیزد (لکزایی، ۱۴۰۲، ص ۷۵-۸۰ و ۱۴۰۳، ص ۶۶-۶۷).

رکن سیاست‌گذاری در حکمرانی اسلامی، نقطه آغازین این نظام است که در آن ایده‌ها و اصول کلان راهبردی بر اساس معارف قرآن و سنت تدوین می‌شود. این مرحله، نیازمند اتخاذ رویکردی نظری است که بتواند اصول ثابت شریعت را با شرایط پویا و متغیر اجتماعی همسو کند. عدالت اجتماعی و کرامت انسانی به عنوان هسته مرکزی سیاست‌گذاری تعیین می‌شوند و خط مشی‌های کلان، با هدف ایجاد توازن بین نیازهای مادی و معنوی جامعه پی‌ریزی می‌شوند. سیاست‌گذاری اسلامی، علاوه بر نخبگان علمی و دینی، مشارکت فعال مردم را هم لازم می‌داند تا مشروعیت، شفافیت و پاسخ‌گویی در تمامی سطوح تضمین شود. این مرحله، با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی از جمله آیات مربوط به عدالت (نساء: ۱۳۵) و شورا (شوری: ۳۸)، زیربنایی برای پی‌ریزی سیستم‌های اجرایی و نهادهای تنظیم‌گر فراهم می‌آورد (لکزایی، ۱۴۰۲، ص ۸۱).

تنظیم‌گری در حکمرانی اسلامی، مرحله میانجی بین ایده‌پروری و اجرا است که وظیفه اصلی آن، تبدیل سیاست‌ها و ایده‌های کلان به ساختارها و نهادهای عملیاتی است. این مرحله، از راه تدوین قوانین شفاف، عادلانه و بر پایه شریعت، نظامی نهادی ایجاد می‌کند که بتواند رفتارها و فرایندهای اجتماعی - سیاسی را در راه عدالت و اخلاق هدایت کند. در این فرایند، شوراهای مشورتی، محاکم قضایی و نهادهای نظارتی، که ریشه در اصول قرآنی از جمله مشورت (آل عمران: ۱۵۹) و امر به معروف (آل عمران: ۱۰۴) دارند، نقش حیاتی در تضمین سازگاری اجرایی با ارزش‌های الهی ایفا می‌کنند. این فرایند، با نظارت مداوم بر عملکرد نهادها و بازنگری در سیاست‌ها، نرمش و پویایی حکمرانی اسلامی را تضمین می‌کند (لکزایی، ۱۴۰۲، ص ۸۱ / پورفرد، ۱۳۸۶، ص ۱۹).

● تحلیل گام‌های حکمرانی اسلامی در اندیشه شهید محمدباقر صدر

تسهیل‌گری به‌عنوان سومین رکن حکمرانی اسلامی، مرحله‌ای است که در آن، سیاست‌ها و سیستم‌های تنظیم‌شده به مرحله اجرا درمی‌آیند. این فرایند در بردارنده مدیریت منابع، توزیع عادلانه امکانات و ارائه خدمات عمومی است که همه این موارد با محوریت اصول عدالت اجتماعی و کرامت انسانی تحقق می‌یابند. تسهیل‌گری در حکمرانی اسلامی، افزون بر اجرای سیاست‌ها، ابزاری برای تقویت انسجام اجتماعی و جلب اعتماد عمومی است. شفافیت در ارائه خدمات و پاسخ‌گویی به نیازهای مردمی، از جمله اصول محوری این مرحله است که سبب کارآمدی و پایداری نظام حکمرانی می‌شود. در این زمینه هم، آموزه‌های دینی نظیر لزوم عدالت در تقسیم امکانات (نساء: ۵۸) راهنمای اقدامات اجرایی است.

حکمرانی سیاسی، به‌عنوان یکی از محورهای اساسی این نظام، مسئولیت مدیریت و هدایت قدرت را برعهده دارد. در این جنبه، قدرت نه به‌عنوان نهادی جدا، بلکه به‌عنوان ابزار خدمت به ارزش‌های الهی و عدالت اجتماعی تعریف می‌شود. حکمرانی سیاسی اسلامی، در رویارویی با نظام‌های سکولار - که مشروعیت را از قراردادهای اجتماعی یا منافع اکثریت کسب می‌کنند - مشروعیت خود را از سازگاری با شریعت و تأمین مصالح عمومی اخذ می‌کند. این نظام، بر پیوند نظام‌واره بین حاکمیت الهی و رضایت مردمی تأکید دارد و عدالت اجتماعی، شفافیت و نظارت پیوسته را به‌عنوان ارکان کلیدی خود معرفی می‌کند. اصول قرآنی از جمله اطاعت از حاکمان عادل (نساء: ۵۹) و مبارزه با فساد (بقره: ۲۰۵) مبانی حکمرانی سیاسی را تقویت می‌کنند (لک‌زایی، ۱۴۰۲، ص ۸۰-۸۱ و ۱۴۰۳، ص ۷۲).

حکمرانی اسلامی، با تلفیق سه رکن گفته‌شده و محوریت حکمرانی سیاسی، به الگویی هماهنگ و پویا دست یافته است که توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای متغیر جامعه و مقابله با چالش‌های معاصر را دارد. این نظام، با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی و معارف دینی، چهارچوبی برای تحقق عدالت، تقویت همبستگی اجتماعی و ایجاد توازن بین ارزش‌های الهی و نیازهای عملی جامعه فراهم می‌کند. تعامل میان سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری و تسهیل‌گری، به انسجام و هماهنگی در تمامی سطوح حکمرانی می‌انجامد و الگویی ویژه برای مدیریت جوامع اسلامی ارائه می‌دهد.

۵. چهارچوب چرخه حکمرانی اسلامی در اندیشه شهید صدر علیه السلام

۵-۱. گام اول. مرحله سیاست‌گذاری

شهید صدر علیه السلام، سیاست‌گذاری را به‌عنوان فرایندی چندجنبه‌ای و در راستای تدبیر امور مردم بر اساس شریعت اسلامی بیان می‌کند. این دیدگاه، حکمرانی را در پیوندی نظام‌واره بین ارزش‌های الهی و نیازهای اجتماعی ترسیم می‌کند. تحلیل محتوای آثار ایشان نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری و ایده‌پروری در این چهارچوب، به‌عنوان ابزاری برای هدایت جامعه به‌سوی تحقق عدالت اجتماعی، کرامت انسانی و حاکمیت الهی عمل می‌کند. این مفهوم در بستر وظایف حکومت اسلامی و در پرتو دو شکل اصلی حکومت، یعنی شکل الهی و شکل شورایی، تعریف می‌شود.

۵-۱-۱. اصل اول. تعریف اهداف کلان در سیاست‌گذاری اسلامی

سیاست‌گذاری در حکمرانی اسلامی باید با تعریف اهداف کلان آغاز شود. این اهداف، از جمله عدالت اجتماعی و کرامت انسانی، به‌عنوان محور اساسی حکمرانی تعریف شده‌اند. شهید صدر علیه السلام تأکید می‌کند که برای مشروعیت سرپرستی در حکمرانی، اجرای بالفعل شریعت و هماهنگی ساختار حکومت با اصول اسلامی ضروری است. این دیدگاه در حدیث شریف «کلکم راعٍ، و کلکم مسئول عن رعیتِهِ» (مجلسی، ج ۷۲، ص ۳۸) هم ریشه دارد و بر اهمیت مسئولیت‌پذیری در چهارچوب شریعت تأکید دارد (صدر، ۱۳۵۹، ص ۲۴-۲۶). در آثار شهید صدر علیه السلام، ساختار نظری سیاست‌گذاری اسلامی در بردارنده دو جنبه اصلی است: تدوین احکام شریعت و تنظیم مقررات جزئی فراخور با شرایط زمانی و مکانی. او تأکید دارد که چهارچوب نظری باید به‌گونه‌ای پی‌ریزی شود که افزون بر حفظ اصول ثابت دینی، پاسخ‌گوی تغییرات محیطی و نیازهای اجتماعی باشد. این چهارچوب، علاوه بر تطبیق با احکام الهی، ابزار لازم برای تنظیم روابط اجتماعی و سامان‌دهی امور حکومتی را فراهم می‌آورد (همان، ص ۴۵-۴۷).

۵-۱-۲. اصل دوم. تطابق قوانین با شریعت

یکی از برجسته‌ترین دلالت‌های حکمرانی اسلامی در مرحله اجرا، هماهنگی کامل قوانین و سیاست‌ها با اصول و قواعد شریعت است. شهید صدر علیه السلام تأکید می‌کند که هیچ اقدامی در نظام اجرایی نباید با دستورات شرعی ناسازگار باشد. وی به آیه ۴۹ سوره مائده استناد می‌کند که می‌فرماید: «وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ» و براین باور است که این آیه مبنای الزام تطابق سیاست‌های اجرایی با شریعت را تأیید می‌کند (همو، ۱۳۹۹ الف، ص ۳۵). ایشان بر این نکته تأکید دارد که در مواردی که نص صریحی در شریعت وجود ندارد، نظام اجرایی باید با استناد به اجتهاد فقهی و مشورت با علما، بهترین تصمیم را اتخاذ کند. وی این فرایند را ابزاری برای هم‌زمانی پویایی اجرایی و ثبات شرعی می‌داند و تأکید می‌کند که این رویکرد، ضامن هم‌افزایی بین انعطاف‌پذیری حکمرانی و اصول ثابت شریعت است (همان، ص ۳۷). انطباق سیاست‌ها با شریعت اسلامی، به‌عنوان یکی از ارکان اساسی سیاست‌گذاری، نقش محوری در مشروعیت‌بخشی به حکمرانی اسلامی دارد. شهید صدر علیه السلام تأکید می‌کند که انطباق شریعت باید در تمامی مراحل سیاست‌گذاری، از تدوین تا اجرا، رعایت شود. این دیدگاه، ابزار اصلی برای حفظ انسجام نظام حکمرانی و جلوگیری از انحراف آن از راه عدالت و ارزش‌های الهی است (صدر، ۱۳۵۹، ص ۸۰).

۵-۱-۳. اصل سوم. انعطاف‌پذیری در مقتضیات زمان

شهید صدر علیه السلام، حکومت اسلامی را حکومتی انعطاف‌پذیر می‌داند که می‌تواند خود را با شرایط زمانی و مکانی سازگار کند، بی‌آنکه از اصول شریعت فاصله بگیرد. او به مفهوم *منطقة الفراغ* اشاره می‌کند و براین باور است که این حوزه، فرصت مناسبی برای نظام اجرایی فراهم می‌کند تا با وضع مقررات موقت، نیازهای جامعه را برطرف کند. از نگاه او، *منطقة الفراغ*، به معنای فضایی است که شریعت به‌طور مستقیم درباره آن حکم نداده و اجتهاد و مصلحت‌سنجی در آن جایز است (همو، ۱۳۹۹ اب، ص ۴۱). وی با اشاره به اهمیت این اصل در سیاست‌گذاری، تأکید می‌کند که حکومت اسلامی می‌تواند برای مدیریت بهتر منابع،

سیاست‌هایی وضع کند که هرچند موقتی هستند، ولی همزمان به نیازهای فوری جامعه پاسخ می‌دهند و اصول شریعت را هم نقض نمی‌کنند؛ برای نمونه، ایشان سیاست‌های اقتصادی در شرایط بحرانی را یکی از کاربردهای این اصل معرفی می‌کند (همان، ص ۴۳).

۵-۲. گام دوم. مرحله تنظیم‌گری (سیستمی)

شهید صدر^{علیه‌السلام}، در تبیین حکمرانی اسلامی، مرحله تنظیم‌گری را به‌مثابه یکی از مؤلفه‌های اساسی این نظام معرفی می‌کند. این مرحله، مسئولیت ایجاد ساختارها و نهادهایی را برعهده دارد که افزون بر انطباق کامل با اصول شریعت، ابزارهای لازم برای تحقق عدالت، پاسخ‌گویی و شفافیت را فراهم می‌آورند. تنظیم‌گری در این چهارچوب، با طراحی نظام‌های سیستمی و فرایندهای اجرایی آغاز شده و نقش میانجی بین سیاست‌گذاری و اجرای حکمرانی را ایفا می‌کند. در این چهارچوب، شهید صدر^{علیه‌السلام} دو هدف کلیدی را برای تنظیم‌گری در حکمرانی اسلامی بیان می‌کند:

۱. بیان احکام ثابت شریعت: احکامی که از منابع قطعی همچون قرآن و سنت استخراج شده‌اند و در هیچ شرایطی تغییرپذیر نیستند.

۲. وضع مقررات متغیر: مقرراتی که فراخور با شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، در چهارچوب اصول ثابت شریعت تدوین می‌شوند. این مقررات، مانند قوانین مالیاتی یا نظام آموزشی، باید به‌گونه‌ای پی‌ریزی شوند که بتوانند نیازهای متغیر جامعه را برآورده کنند (صدر، ۱۳۵۹، ص ۴۵-۴۷). این چهارچوب، افزون بر ایجاد انسجام در سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری، امکان نرمش و پاسخ‌گویی به تحولات اجتماعی را نیز فراهم می‌کند.

۵-۲-۱. شوراها و عدالت نهادی؛ ابزارهای تحقق شفافیت و پاسخ‌گویی

در اندیشه شهید صدر^{علیه‌السلام}، شوراها و نهادهای مشورتی نقشی محوری در فرایند تنظیم‌گری دارند. این نهادها، ابزارهایی مؤثر برای تقویت مشارکت عمومی و نظارت بر عملکرد حکومتی به‌شمار می‌آیند. وی تأکید دارد که شوراها باید بر پایه اصول شریعت پی‌ریزی شوند و به‌گونه‌ای عمل کنند که شفافیت، عدالت و پاسخ‌گویی در تمامی سطوح حکومتی تضمین شود.

● تحلیل گام‌های حکمرانی اسلامی در اندیشه شهید محمدباقر صدر

مشارکت مردم از راه شوراهای، تضمین‌کننده مشروعیت و انسجام حکمرانی اسلامی است و به تقویت پیوند بین دولت و ملت کمک می‌کند (همان، ۵۷). یکی از اصول بنیادین تنظیم‌گری در اندیشه شهید صدر علیه السلام، تأکید بر عدالت نهادی است. وی باور دارد که عدالت، باید نه تنها در محتوای قوانین، بلکه در ساختارها و فرایندهای اجرایی هم رعایت شود. عدالت نهادی، بنیان مشروعیت و اعتماد عمومی است و از انحراف حکمرانی اسلامی جلوگیری می‌کند. وی تصریح دارد که اگر در قوانین یا عملکرد حکومتی انحرافی رخ دهد، اصلاح آن نه تنها وظیفه نهادهای حکومتی بلکه وظیفه جامعه اسلامی است (همان، ص ۷۰-۷۲).

۵-۲-۲. عدالت محوری در تنظیم‌گری؛ انسجام در نظریه و عمل

عدالت به عنوان جوهره حکمرانی اسلامی، در نگاه شهید صدر علیه السلام نه تنها در محتوای سیاست‌ها، بلکه در ساختارها و فرایندهای اجرایی باید بروز یابد. وی بر این باور است که حکمرانی عادلانه، نیازمند ایجاد نهادهای شفاف و پاسخ‌گو است که بتوانند نیازهای جامعه را در چهارچوب اصول شریعت فراهم کنند. عدالت نهادی، از نگاه وی نه تنها به مشروعیت نظام می‌افزاید، بلکه اعتماد عمومی را هم تقویت می‌کند و به کاهش انحرافات ساختاری و عملکردی می‌انجامد. این دیدگاه، حکمرانی اسلامی را به سیستمی پویا و کارآمد تبدیل می‌کند که توانایی پاسخ‌گویی به چالش‌های معاصر را داراست. وی، شوراهای و نهادهای نظارتی را به عنوان ابزارهایی حیاتی در فرایند تنظیم‌گری معرفی می‌کند که نقشی اساسی در تضمین شفافیت و عدالت دارد. وی تأکید می‌کند که ایجاد این نهادها باید بر پایه اصول شریعت و با هدف تحقق عدالت و پاسخ‌گویی در تمامی سطوح حکومتی صورت گیرد. مشارکت پویای مردم از راه شوراهای، مشروعیت و انسجام حکمرانی اسلامی را تضمین کرده و پیوند بین دولت و ملت را تقویت می‌کند (همان، ص ۵۷).

۵-۲-۳. تنظیم‌گری و سیستم در حکمرانی‌های غیراسلامی

شهید صدر علیه السلام در تحلیل تفاوت‌های حکومت اسلامی و غیراسلامی، بر این نکته تأکید دارد

که مشروعیت، کارآمدی و انسجام ساختاری حکومت اسلامی، ناشی از پیوند میان شریعت و نیازهای اجتماعی است. او این برتری را با چند استدلال عقلی و نقلی توضیح می‌دهد:

اول اینکه، بر اساس آموزه‌های اسلامی، قدرت در اسلام به‌عنوان امانتی الهی انگاشته می‌شود در حالی که در نظام‌های سکولار، مشروعیت به‌طور معمول بر پایه قراردادهای اجتماعی یا قدرت اکثریت تعریف می‌شود. شهید صدر^{علیه السلام} بر این باور است که بدون پشتوانه الهی، هیچ منبع ثابتی برای عدالت و ارزش‌های پایدار وجود ندارد (همان، ص ۷۰-۷۲).

دوم اینکه، از نگاه ایشان نظام‌های سکولار، بشتر در فراهم کردن عدالت پایدار ناتوان هستند؛ زیرا شاخص‌های متغیر اخلاقی و منافع گروه‌های قدرت، سیاست‌گذاری‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در برابر، حکومت اسلامی، باتکیه بر اصول ثابت شریعت و انعطاف‌پذیری در منطقه الفراغ، می‌تواند بین ثبات ارزشی و تطبیق با شرایط متغیر تعادل برقرار کند (همان، ص ۷۲).

سوم اینکه، ایشان نظارت پیوسته را یکی از ارکان حکومت اسلامی می‌داند. او استدلال می‌کند که در نظام‌های غیراسلامی، نبود الزام دینی به پاسخ‌گویی، زمینه فساد را افزایش می‌دهد، در حالی که در حکومت اسلامی، نظارت شرعی و اجتماعی، رفتار حاکمان را تحت کنترل قرار می‌دهد و از استبداد جلوگیری می‌کند (همان، ص ۷۰-۷۲).

از نگاه نگارنده، اگرچه دیدگاه شهید صدر^{علیه السلام} مبانی قوی‌ای در فلسفه سیاسی اسلامی دارد، اما می‌توان بررسی کرد که آیا در دنیای معاصر، حکومت اسلامی توانسته است در عمل هم این اصول را محقق کند؛ برای نمونه، چالش‌های اجرای عدالت اجتماعی در حکومت‌های اسلامی معاصر، مسئله تفسیرپذیری قوانین شرعی، و سازوکارهای نظارت و پاسخ‌گویی در سطح اجرایی، از جمله مسائلی هستند که نیاز به مطالعه بیشتر دارند؛ بنابراین هرچند نظریه شهید صدر^{علیه السلام} از نگاه مبانی دینی و فلسفی قابل دفاع است، اما بررسی تجربی عملکرد آن در حکومت‌های اسلامی امروز می‌تواند به درک کامل‌تری از نقاط قوت و ضعف آن بینجامد.

اندیشه شهید صدر^{علیه السلام} در تحلیل تفاوت بین حکومت اسلامی و حکومت‌های غیراسلامی، بیان‌گر پیوند بنیادین بین مبانی نظری، ساختار سیستمی، و شیوه تنظیم‌گری در این دو نظام

● تحلیل گام‌های حکمرانی اسلامی در اندیشه شهید محمدباقر صدر

است. ایشان بر این باور است که مشروعیت، انسجام و توانایی پاسخ‌گویی حکومت اسلامی، در انطباق کامل با اصول شریعت و ارزش‌های الهی نهفته است. این ادعای وی، بر چند استدلال اساسی بنا شده است:

منبع مشروعیت: شهید صدر علیه السلام بر این باور است که مشروعیت حکومت اسلامی برخاسته از حق حاکمیت الهی است، نه صرفاً قراردادهای اجتماعی یا قدرت اکثریت. از نگاه وی، نظام‌های غیراسلامی به سبب برخوردار نبودن از یک منبع ثابت و قدسی برای مشروعیت، در معرض تغییرات پی در پی و نسبی‌گرایی ارزشی قرار می‌گیرند در حالی که حکومت اسلامی از ثبات ارزشی برخوردار است و معیارهای آن بر پایه وحی و اجتهاد علمی است (همان، ص ۴۵-۴۷).

انسجام ساختاری: شهید صدر علیه السلام تأکید دارد که حکومت اسلامی، به دلیل تلفیق مبانی شریعت با نیازهای اجتماعی و اقتصادی به وسیله «منطقه الفراغ»، از انعطاف‌پذیری در سیاست‌گذاری برخوردار است. در مقابل، بسیاری از نظام‌های غیراسلامی، به دلیل اتکاء به ایدئولوژی‌های مادی‌گرا یا نسبی‌نگر، در ایجاد انسجام میان ارزش‌های اخلاقی، سیاسی و اقتصادی دچار ناسازگاری می‌شوند (همان، ص ۴۶).

پاسخ‌گویی و عدالت: در دیدگاه شهید صدر علیه السلام، پاسخ‌گویی حکومت اسلامی نه تنها بر پایه سازوکارهای نظارت مدنی، بلکه ریشه در تعالیم دینی دارد. وی بر این باور است که الزام دینی به پاسخ‌گویی، از راه مفاهیمی همچون امر به معروف و نهی از منکر و نظارت عمومی، زمینه را برای رویارویی با فساد و بی‌عدالتی فراهم می‌کند (همان، ص ۴۷). در مقابل، در نظام‌های سکولار، پاسخ‌گویی، بیشتر به سازوکارهای حقوقی و نظارت مردمی وابسته است که ممکن است تحت تأثیر منافع گروه‌های ویژه قرار گیرد.

از دید نگارنده، این استدلال‌ها پایه‌های فکری دیدگاه شهید صدر علیه السلام را تشکیل می‌دهند، اما در جایگاه بررسی تجربی، باید دید که آیا حکومت‌های اسلامی معاصر توانسته‌اند این اصول را در عمل اجرا کنند. هر چند نظریه وی، چهارچوبی قوی برای مشروعیت‌بخشی به حکومت اسلامی ارائه می‌دهد، اما میزان تحقق عملی عدالت، پاسخ‌گویی و انسجام در این حکومت‌ها

نیازمند مطالعه تطبیقی و بررسی چالش‌های اجرایی است؛ بنابراین این ادعا باید با مطالعات تاریخی و بررسی تجربی حکومت‌های اسلامی تکمیل شود.

در ادامه و بر همین اساس، شهید صدر علیه السلام تأکید می‌کند که در حکومت‌های متضاد با اسلام، از جمله نظام‌های سرمایه‌داری و کمونیستی، تنظیم‌گری نه تنها از شریعت فاصله دارد، بلکه به صورت نظام‌مند به رویارویی با آن می‌پردازد. این وضعیت، نه تنها به تضعیف عدالت و شفافیت می‌انجامد بلکه مشروعیت حکومت را هم از بین می‌برد. وی در تأیید این دیدگاه به نقش نهادهای حکومتی در این نظام‌ها اشاره کرده و بر این باور است که تمامی ساختارها برای رویارویی با هرگونه ارزش اسلامی پی‌ریزی شده‌اند (همان، ص ۴۵-۴۷، Kaufmann, 1999, / p 652 / Bevir, 2021, p 173).

دسته دیگری از حکومت‌های غیراسلامی، شامل نظام‌هایی همچون نظام‌های استبدادی و مستعمره هستند که بر اساس اراده فردی یا منافع گروهی اداره می‌شوند. تنظیم‌گری در این نظام‌ها، بیشتر فاقد اصول ثابت و بر پایه تأمین منافع قدرت‌های حاکم است. شهید صدر علیه السلام این‌گونه حکومت‌ها را هم فاقد مشروعیت اسلامی می‌داند و تأکید می‌کند که نهادهای اجرایی یا مشورتی در چنین نظام‌هایی، تنها ابزارهایی برای حفظ قدرت هستند. این وضعیت، نه تنها به ضعف در عدالت و پاسخ‌گویی می‌انجامد، بلکه ارتباط میان دولت و مردم را هم به شدت تضعیف می‌کند (صدر، ۱۳۵۹، ص ۵۷/۴۷، Ansell & Torfing, 2022, p 47 / Pierre & Peters, 2021, p 47).

۴-۲-۵. حکومت اسلامی؛ یک نظام تنظیم‌گری شریعت‌محور

حکومت اسلامی، از دیدگاه شهید صدر علیه السلام، بر مبانی شریعت اسلامی و با تأکید بر عدالت اجتماعی و کرامت انسانی شکل می‌گیرد. تفاوت اساسی این حکومت با گونه دیگر، در پی‌ریزی نظام تنظیم‌گری است که به طور کامل بر اصول ثابت شریعت و مقررات متغیر بر پایه شرایط اجتماعی استوار است. تنظیم‌گری سیستمی در این حکومت، سه محور کلیدی را در برمی‌گیرد:

۱. ایجاد ساختارهای نظارتی: برای تضمین اجرای احکام شریعت و جلوگیری از

انحراف حکومتی؛

۲. طراحی نهادهای مشورتی: برای تسهیل مشارکت عمومی و تقویت شفافیت در تصمیم‌گیری؛

● تحلیل گام‌های حکمرانی اسلامی در اندیشه شهید محمدباقر صدر

۳. انعطاف‌پذیری مقررات: برای پاسخ‌گویی به نیازهای متغیر جامعه در چهارچوب اصول ثابت شریعت (صدر، ۱۳۵۹، ص ۷۰-۷۲).

ویژگی برجسته حکومت اسلامی، هماهنگی کامل بین نهادهای اجرایی و اصول شریعت است. این هماهنگی، به‌گونه‌ای پی‌ریزی می‌شود که افزون بر تضمین پایداری و مشروعیت نظام، توانایی انطباق با تحولات اجتماعی و اقتصادی را هم داشته باشد. در این نظام، هرگونه مقررات یا سیاست‌گذاری باید از دل شریعت و در راستای اهداف کلان آن، از جمله عدالت اجتماعی، تدوین شود. به همین دلیل، حکومت اسلامی را می‌توان به‌عنوان یک نظام شریعت‌محور پویا توصیف کرد که به‌طور مداوم تنظیم‌گری خود را با شرایط زمانی تطبیق می‌دهد.

۳-۵. گام سوم. مرحله تسهیل‌گری (اجرا)

در مقاله «لحّة فقهیة تمهیدیة عن مشروع دستور الجمهورية الإسلامية فی ایران» که ترجمه نامه‌ای است که شهید صدر علیه السلام در پاسخ به درخواست تعدادی از علمای لبنان و در توضیح و تبیین اندیشه فقهی خود نسبت به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نوشته است که در این نامه پس از بیان توصیفات انقلاب اسلامی، نقش رهبری تحت عنوان «مرجعیت رشیده» و ویژگی‌های آن - که می‌توان به آن، حکمران اطلاق کرد - اندیشه‌های بنیادین در پیش‌نویس قانون اساسی، به روش‌های اعمال حاکمیت از سوی مردم و همچنین شرایط و ویژگی‌های شخصی که مسئولیت مرجعیت را می‌پذیرد (همو، ۱۳۹۹ ج، ص ۲۶) روش‌های اعمال حاکمیت را ما در اینجا در مرحله اجرای فرایندهای حکمرانی قرار می‌دهیم. در پایان همین نامه، ایشان نظریه کوتاه فقهی خود را تنها به‌عنوان پیشنهادی که قابل بررسی و اجراءست معرفی می‌کند (عابدی، ۱۳۸۲، ص ۸).

شهید صدر علیه السلام، در چهارچوب حکمرانی اسلامی، مرحله اجرای قوانین و سیاست‌ها را به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین مراحل در نظام حکمرانی معرفی می‌کند. از نگاه وی، این مرحله بستری برای تحقق اصول بنیادین حکومت اسلامی همچون عدالت اجتماعی، شفافیت، و

انعطاف‌پذیری در رویارویی با مقتضیات زمانی و مکانی است. او براین باور است که ساختار اجرایی در حکومت اسلامی باید تلفیقی از پای‌بندی به اصول شریعت و توانایی مدیریت متغیرهای اجتماعی باشد، به گونه‌ای که منافع عمومی و اهداف عالی اسلامی را تضمین کند (صدر، ۱۳۹۹ الف، ص ۲۷).

۱-۵-۳. اصل اول. عدالت اجتماعی و توزیع برابر منابع

یکی از بنیادی‌ترین اصولی که شهید صدر علیه السلام در مرحله اجرا به آن تأکید دارد، عدالت اجتماعی است. وی بیان می‌کند که عدالت، نه تنها اصلی اخلاقی، بلکه اساس مشروعیت حکمرانی است. او براین باور است که حکومت اسلامی باید در مرحله اجرا، به گونه‌ای عمل کند که هیچ گروهی از شهروندان، به دلیل جایگاه اجتماعی، اقتصادی یا عقیدتی، از حقوق خود محروم نمانند. این اصل برگرفته از آیه ۹۰ سوره نحل است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ». از دیدگاه شهید صدر علیه السلام، اجرای عدالت، ستون ماندگاری هر نظام حکومتی است؛ زیرا اعتماد عمومی را تقویت کرده و مشروعیت نظام را حفظ می‌کند (همان، ص ۲۹). وی همچنین تأکید دارد که برای تحقق عدالت اجتماعی، حکومت موظف است در توزیع منابع و فرصت‌ها، به‌ویژه در زمینه خدمات عمومی، آموزش و سلامت، سیاست‌هایی بر پایه انصاف و شفافیت اتخاذ کند. افزون‌براین، در مواردی که احتمال سوءاستفاده یا تهدید برای منافع عمومی وجود دارد، نظام اجرایی باید از ابزارهای نظارتی و محدودیتی استفاده کند، مشروط بر آنکه این اقدامات در چهارچوب شریعت باشد (همان، ص ۳۱).

۲-۵-۳. اصل دوم. نظارت و پاسخ‌گویی در نظام اجرایی

از دیدگاه شهید صدر علیه السلام، نظارت دقیق بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی نه تنها یکی از ارکان اساسی حکمرانی اسلامی است بلکه رابطه‌ای مستقیم با اعتماد مردم به حکومت دارد. وی با تأکید بر اهمیت شفافیت در نظارت و پیشگیری از فساد، نشان می‌دهد که هرچه مسئولان حکومتی عملکرد خود را در دسترس مردم قرار دهند و به‌طور منظم مورد ارزیابی قرار گیرند، اعتماد عمومی افزایش یافته و مشروعیت نظام تقویت می‌شود. این نکته در بیان امام

● تحلیل گام‌های حکمرانی اسلامی در اندیشه شهید محمدباقر صدر

علی علیه السلام این‌گونه آمده است: «مَنْ وَلِيَ الْأُمُورَ فَأَعْلَقَ عَلَى نَفْسِهِ بَابَهُ دُونَ الْمَظْلُومِ، أَعْلَقَ اللَّهُ بِأَبِ الرَّحْمَةِ دُونَهُ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)، هم مورد تأکید قرار گرفته است. شهید صدر علیه السلام با ارجاع به این حدیث و سیره امام علی علیه السلام نشان می‌دهد که نظارت و شفافیت در عملکرد دستگاه‌های اجرایی، افزون بر جلوگیری از فساد، به‌طور مستقیم بر میزان اعتماد مردم و در نتیجه مشروعیت نظام حکومتی تأثیرگذار است (صدر، ۱۳۹۹ الف، ص ۴۷). شهید صدر علیه السلام با ارجاع به سیره امام علی علیه السلام و حاکمان عادل، نشان می‌دهد که چگونه نظارت دقیق و اجرای عادلانه قوانین می‌تواند ضامن ماندگاری مشروعیت نظام باشد؛ برای نمونه، وی به ماجرای قضاوت امام علی علیه السلام در برابر یک شهروند یهودی اشاره می‌کند که امام علیه السلام در برابر قاضی، به‌عنوان یک طرف دعوی حاضر شد و این اقدام را نمونه‌ای از عدالت‌مداری در نظام اجرایی معرفی کرد (همان، ص ۵۱).

نتیجه

۱. اندیشه حکمرانی اسلامی شهید صدر علیه السلام به‌عنوان یک نظام معرفتی جامع و پویا، بر پایه تلفیق اصول ثابت شریعت و اقتضانات اجتماعی و فرهنگی دوره‌های گوناگون، چهارچوبی نظری و عملیاتی برای حکمرانی اسلامی فراهم می‌آورد. این نظام حکمرانی به‌طور ویژه بر سه رکن اصلی سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری و تسهیل‌گری استوار است که هرکدام نقشی بنیادین در تأسیس و تثبیت عدالت اجتماعی و مشروعیت حکومت ایفا می‌کنند.

۲. در گستره سیاست‌گذاری، شهید صدر علیه السلام با تأکید بر تطابق کامل قوانین و مقررات اجرایی با شریعت، به‌ویژه در مقوله عدالت اجتماعی، مدل حکمرانی اسلامی را بر اساس اصول ثابت دینی و نیازهای متغیر اجتماعی تنظیم می‌کند. او مفهوم «منطقه الفراغ» را معرفی می‌کند که بر اساس آن، حکومت اسلامی می‌تواند در فضاهایی که شریعت درباره آنها حکم قطعی ندارد، اجتهاد کرده و از این‌راه به مقتضیات زمانی و مکانی پاسخ دهد، بی‌آنکه از اصول اساسی شریعت عدول کند.

۳. در مرحله تنظیم‌گری، شهید صدر علیه السلام بر ایجاد نهادها و ساختارهایی تأکید دارد که

توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای متغیر جامعه را در چهارچوب شریعت داشته باشند. وی نقش شوراها و نهادهای مشورتی را به‌عنوان ابزارهایی اساسی برای تقویت مشارکت عمومی و شفافیت در تصمیم‌گیری‌های حکومتی مطرح می‌کند. این نهادها نه تنها در فرایند نظارت بر اجرای قوانین و سیاست‌ها کارکرد دارند، بلکه به‌عنوان ضامنی برای عدالت نهادی عمل می‌کنند که سبب کاهش انحراف‌های ساختاری و عملکردی در حکمرانی اسلامی می‌شود.

۴. در حوزه تسهیل‌گری، شهید صدر علیه السلام بر لزوم نظارت دقیق و پیوسته بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی تأکید می‌کند و آن را به‌عنوان یکی از ارکان اساسی شفافیت و رویارویی با فساد می‌داند. او با اشاره به احادیث اهل بیت علیهم السلام و سیره حاکمان عادل، نشان می‌دهد که نظارت پیوسته بر عملکرد مقامات اجرایی نه تنها سبب جلوگیری از فساد و انحرافات احتمالی می‌شود، بلکه اعتماد عمومی را تقویت کرده و در نتیجه، مشروعیت نظام حکومتی را حفظ می‌کند.

۵. در کل، این دستاوردهای تحقیق نشان می‌دهد که اندیشه حکمرانی شهید صدر علیه السلام نه تنها یک الگوی منسجم برای حکمرانی اسلامی است که بر اساس شریعت و عدالت اجتماعی شکل گرفته، بلکه در عین حال به‌طور انعطاف‌پذیر و تطبیق‌پذیر با دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی می‌تواند به‌عنوان مدلی برای مدیریت جوامع اسلامی در دوره مدرن مورد استفاده قرار گیرد. این رویکرد، می‌تواند نیازهای متغیر جوامع را در چهارچوب اصول دینی و انسانی، پاسخ دهد و افزون بر حفظ مشروعیت نظام حکومتی، عدالت و شفافیت را در تمامی سطوح اجرایی و سیاست‌گذاری تقویت کند.

درحقیقت، این مقاله نقطه آغاز و دعوتی برای گسترش پژوهش‌های ژرف‌تر در زمینه حکمرانی اسلامی بر پایه اندیشه شهید صدر علیه السلام است. چهارچوب‌های ارائه‌شده، اگرچه به‌عنوان گامی اولیه در تبیین اصول و مبانی حکمرانی وی شمرده می‌شوند، اما نیازمند مطالعات میان‌رشته‌ای و بررسی‌های تطبیقی بیشتری برای کاربردی‌سازی و توسعه نظریه در بافت جوامع معاصر هستند. پژوهش‌های آتی می‌توانند با بهره‌گیری از روش‌های تحلیلی و تجربی، ظرفیت‌های این اندیشه را برای رویارویی با چالش‌های مدرن و پاسخ به نیازهای متغیر اجتماعی بیشتر تبیین کنند.

● تحلیل گام‌های حکمرانی اسلامی در اندیشه شهید محمدباقر صدر

کاربردسازی این مدل حکمرانی در جوامع معاصر، نیازمند بازخوانی و تحلیل پرف مفاهیم ارائه شده به وسیله شهید صدر علیه السلام و تطبیق آنها با تحولات اجتماعی و چالش‌های جدید است. الگویی که او ارائه می‌دهد، می‌تواند به عنوان مدلی جهانی برای حکمرانی عادلانه و پاسخ‌گو مطرح شود؛ چراکه با وجود پای‌بندی به اصول الهی، انعطاف‌پذیری لازم برای پاسخ به پیچیدگی‌های جوامع مدرن را داراست.

به طور کلی، اندیشه حکمرانی شهید صدر علیه السلام، آمیزه‌ای از مبانی نظری ژرف و راهبردهای عملیاتی است که توانایی ارائه چهارچوبی جامع برای مدیریت جوامع اسلامی و تحقق عدالت اجتماعی دارد. این نظام، نه تنها نیازمند بررسی و گسترش بیشتر در محافل علمی و آکادمیک است، بلکه می‌تواند الهام‌بخش سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران در راستای دستیابی به یک حکمرانی عادلانه، کارآمد و بر پایه شریعت باشد.

منابع

۱. بی‌نیاز، علیرضا و محمد مهدی باباپور و منصور میراحمدی (۱۴۰۰). آشنایی با اندیشه سیاسی شهید صدر علیه السلام. قم: نشر المصطفی.
۲. پرچم، اعظم و مریم باقرپور (۱۳۹۳). «بررسی دیدگاه آیت‌الله محمدباقر صدر علیه السلام در زمینه سنت‌های اجتماعی در قرآن». دانشنامه علوم قرآن و حدیث. ش ۱. بهار و تابستان. ص ۱۳-۳۷.
۳. پرچم، اعظم و مریم باقرپور (۱۳۹۳). «بررسی دیدگاه آیت‌الله محمدباقر صدر علیه السلام در زمینه سنت‌های اجتماعی در قرآن». دانشنامه علوم قرآن و حدیث. ش ۱. بهار و تابستان. ص ۱۳-۳۷.
۴. پناهی‌ارسنجانی، سجاد (۱۳۸۷). «تأثیر اندیشه‌های علامه سیدمحمدباقر صدر در قانون اساسی ج. ا. ا». انسان پژوهی دینی. ش ۱۷. پاییز و زمستان. ص ۱۹۳-۱۷۳.
۵. پورفرد، مسعود (۱۳۸۶). «بازخوانی اندیشه سیاسی شهید صدر علیه السلام». پگاه حوزه. اردیبهشت. ش ۲۰۶.
۶. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۹۴). «نظریه دولت در اندیشه سیاسی علامه صدر علیه السلام». دولت‌پژوهی. ش ۱. بهار. ص ۱۰۹-۸۶.
۷. حسینی حائری، سیدکاظم (۱۳۷۵). زندگی و افکار شهید صدر علیه السلام. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۸. رحیمیان، جمال و محمدجواد جاوید (۱۴۰۲). «بررسی تطبیقی "اصل پاسخ‌گویی حکومت" در اندیشه شهید صدر و آیت‌الله خامنه‌ای». مطالعات حقوق عمومی. ش ۳۵. پاییز. ص ۱۱۵۹-۱۱۸۵.
۹. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۵۹). اسلام راهبر زندگی. قم: دارالتعارف للمطبوعات.
۱۰. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۵۹). انسان مسئول و تاریخ ساز از دیدگاه قرآن. ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: نشر میزان.
۱۱. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۸۲). «نگرشی فقهی و مقدماتی به پیش‌نویس قانون اساسی

● تحلیل گام‌های حکمرانی اسلامی در اندیشه شهید محمدباقر صدر

- جمهوری اسلامی ایران». ترجمه امین‌رضا عابدی نژاد داورانی. اندیشه صادق. ش ۱۰. بهار. ص ۱۱-۱۲.
۱۲. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۳). اقتصاد ما. ترجمه سیدابوالقاسم حسینی ژرفا، قم: پژوهشگاه علمی تخصصی شهیدصدر. علیه السلام
۱۳. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۴). امامان اهل بیت علیهم السلام مرزبانان حریم اسلام. قم: انتشارات دارالصدر.
۱۴. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۷). بارقه‌ها، مقالات، سخنرانی و یادداشت‌ها. ترجمه سیدامید مؤذنی. قم: دارالصدر، دوم.
۱۵. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۸). انسان و عبادت. ترجمه نرگس خسروی. قم: دارالصدر.
۱۶. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۹ الف). سنت‌های تاریخی در قرآن کریم. ترجمه سیدجلال میرآقایی. قم: دارالصدر.
۱۷. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۹ ب). پژوهشی درباره امام مهدی علیه السلام. ترجمه سیدابوالقاسم حسینی. قم: دارالصدر.
۱۸. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۹ ج). آموزه‌های وحی، گفتارها و نوشتارهای قرآنی. قم: دارالصدر.
۱۹. صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۰۰). لمحة فقهية تمهيدية عن مشروع دستور الجمهورية الإسلامية في إيران. قم: نشر خیام.
۲۰. صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۰۲). علوم قرآن. ترجمه سیدجلال میرآقایی، قم: مؤسسه نابغة آل‌الصدر.
۲۱. صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۰۷). رسالتنا. تهران: نشر توحید.
۲۲. عالی، محمدباقر، غضنفری، مهدی، پورصادق ناصر، پورعزت، علی اصغر (۱۴۰۳). «تعریف حکمرانی؛ فراترکیب چیستی حکمرانی». حکمرانی متعالی. سال پنجم. ش ۱۸. تابستان. ص ۸۹-۶۳.
۲۳. قاسمی اصل، محمدجواد (۱۳۹۸). جایگاه استقرار در روش شهیدصدر در اقتصاد اسلامی. قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی علیه السلام.
۲۴. قربی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۹). نظریه دولت در مکتب کلامی و فقهی علامه شهیدمحمدباقر صدر علیه السلام. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۲۵. کریم‌میان، زهره و مهدی محمدی و سیدسپهر قاضی نوری و محمد مهدی ذوالفقارزاده کرمانی (۱۳۹۸). «طبقه‌بندی و ویژگی‌های حکمرانی از طریق شبکه‌های خط مشی با استفاده از روش فراترکیب». مدیریت دولتی. ش ۳. پاییز. ص ۳۷۷-۴۰۲.
۲۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. ج ۷۲. دار احیاء التراث العربی، بیروت: لبنان.
۲۷. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۴). ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۲۸. نعمانی، محمدرضا (۱۳۹۹). شرح صدر، سیری در زندگی، زمانه و اندیشه استاد شهید محمدباقر صدر علیه السلام. قم: دارالصدر.
۲۹. یوسفی، محمدرضا (۱۳۷۹)، «بررسی روش آیت‌الله شهید صدر در کشف مکتب اقتصاد اسلامی». دین و ارتباطات. ش ۱۱ و ۱۲. پاییز و زمستان. ص ۱۱۳-۱۲۸.
30. Talib M. Aziz (1991). "The Islamic Political Theory of Muhammad Baqir Al-Sadr of Iraq". *Middle Eastern Studies/Political Science*. Canada: The University of Utah.
31. Ansell, Christopher & Torfing, Jacob (Eds.). *Handbook On Theories of Governance*. Cheltenham, UK. Northampton, MA, USA: Edward Elgar Publishing Limited.
32. Bevir, Mark (2009). *Key Concepts in Governance*. California: Sage Publication.
33. Bevir, Mark (2021). governance. *Encyclopedia Britannica*. Usa: Encyclopedia Britannica.
34. Bevir, Mark (Editor) (2007). *Encyclopedia of Governance*. California: Sage Publication.
35. Colebatch, H.K. (2014). "Making sense of governance". *Policy and Society*. 33 (4). pp.307-316.
36. Farazmand, Ali (2004). *Sound Governance Policy and Administrative Innovations*. USA: Praeger Publisher.
37. Jreisat, Jamil (2004). "Governance in a Globalizing World".

- International Journal of Public Administration*. 27 (13&14). pp.1003 - 29.
38. Kaufmann, Daniel and Kraay, Aart and Zoido, Pablo (1999). *Governance Matters*. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=188568>.
39. Matters. Policy Research Working Papers. World Bank. <https://doi.org/10.1596/1813-9450-2196>.
40. Machiavelli, Niccolò (1513). *The Prince*. Translated by Harvey C. Mansfield. Chicago: University of Chicago Press.
41. Mishra, J., & Attri, V (2020). "Governance, Public Service Delivery and Trust in Government". *Studies in Indian Politics*. 8(2). pp.186 - 202.
42. Nikolić, Jelena & Zlatanovic, Dejana (2018). "Corporate Governance and Corporate Social Responsibility Synergies: A Systemic Approach". *Naše gospodarstvo/Our economy*. 64 (3). pp.36 - 46.
43. Pierre, John and Peters, B. Guy (2021). *An Advanced Introduction to Governance*. Cheltenham, UK: Edward Elgar Publishing Limited.
44. Radnor, Z., Osborne, S., & Glennon, R. (2022). *Public management theory*. In *Handbook on Theories of Governance* (pp. 43-56)
45. Rhodes, R. (1996). "The New Governance: Governing without Government". *Political Studies*. XLIV. pp.652 - 667.
46. Rhodes, R. A. W. (2000). "Governance and Public Administration". in Jon Pierre, *Debating Governance, Authority, Steering and Democracy*. Oxford: Oxford University Press.

47. Rhodes, R. A. W. (2003). *Understanding Governance: Policy Networks, Governance, Reflexivity and Accountability*. England: Open University Press.
48. Salamon, Lester M. (2011). "The New Governance and the Tools of Public Action: An Introduction". *Fordham Urban Law Journal*. 28 (5). pp.1611 - 1674.
49. Weiss, Thomas G. (2000). "Governance, Good Governance and Global Governance: Conceptual and Actual Challenges." *Third World Quarterly*, 21(5), 795–814. DOI: 10.1080/713701075.
50. World Bank (2007a). *Strengthening the World Bank Group Engagement on Governance and Anticorruption. Strategic Document, March*. cited in Gisselquist.
51. Rachel M. (2012). *Good Governance as a Concept, and Why This Matters for Development Policy*. Working Paper (2012/30, 1 - 36).
52. Stoker, Gerry (1998). "Governance as Theory: Five Propositions". *International Social Sciences Journal*, 50 (1), pp.17 - 28.
53. Malik, Maszlee (2017). *Foundations of Islamic Governance, A Southeast Asian Perspective*. London: Routledge. Political Studies, XLIV,652 - 667.
54. Kooiman, Jan (1993). *Modern Governance, New Government-Society Interactions*. London : Sage publications.
55. Lynn, Jr, Laurence, Heinrich, Carolyn and Hill, Carolyn (2000). "Studying Governance and Public Management: Challenges and Prospects". *Journal of Public Administration*

● تحلیل گام‌های حکمرانی اسلامی در اندیشه شهید محمدباقر صدر

Research and Theory. 10 (2). pp.233-262.

56. Merriam-Webster. (n.d.). *Function*. In *Merriam-Webster. com dictionary*. Retrieved December 3, 2023, from <https://www.merriam-webster.com/dictionary/function>
57. Salamon, Lester M. (2011). "The New Governance and the Tools of Public Action: An Introduction". *Fordham Urban Law Journal*, 28 (5). pp.1611 - 1674.
58. Colebatch, H.K. (2014). "Making sense of governance". *Policy and Society*. 33 (4), pp.307-316.